

# نقد و معرّفی

پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نقد کتاب

### علیرضا بهمن آبادی<sup>۱</sup>

ویژه جامعه علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور به اهمیت و نقش ارتباط علمی، و نیز فراهم‌آوری دستمایه‌ای برای درس رفتار اطلاع‌یابی در مقطع دکتری کتابداری تهیه شده است. این کتاب دارای سه بخش و نه فصل است. بخش اول کتاب با عنوان «ارتباط علمی و جامعه علمی» دارای چهار فصل بوده که طی آن «ارتباط علمی و رشد علم»، «جامعه علمی و مشارکت»، «تحقیق و الگوی ارتباط علمی»، و «جایگاه استناد در فعالیت‌های علمی» مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش دوم کتاب با عنوان «نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی» نیز دارای چهار بخش است که طی آن مباحثی همچون «جهان دانش و بازیابی اطلاعات»، «نیاز اطلاعاتی»، «رفتار اطلاع‌یابی و عوامل مؤثر بر آن»، و «تحلیل الگوهای رفتار اطلاع‌یابی» مطرح شده است. بخش سوم کتاب هم با عنوان «رفتار ربط: ارزیابی رفتار اطلاع‌یابی» نیز تنها از یک فصل تشکیل شده که ذیل عنوان «ماهیت، ارزیابی، و ابعاد ربط» در قسمت اول به مفهوم ربط، در قسمت دوم به ارزیابی ربط و در قسمت سوم

داورپناه، محمدرضا. *ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی*. تهران: دبیزش، ۱۳۸۶. ۲۵۳ص. ۳۰۰۰۰ ریال.

به عنوان یکی از مباحث جذاب و در عین حال بسیار مطرح در عرصه تولید علم، مسئله ارتباطات علمی، ابزارها و عناصر آن، الگوها و چالش‌های پیش‌رو، ویژگی‌ها و فرهنگ خاص آن در سطح ملی و بین‌المللی و مباحثی از این دست است. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد تقریباً کتابی تاکنون به زبان فارسی منتشر نشده است که موضوع ارتباط علمی (در برابر Scholarly Communication یا آن طور که مؤلف محترم این کتاب ذکر کرده‌اند Scientific Communication) را به گونه‌ای مستقل مورد بحث قرار داده باشد. هرچند مجلاتی همچون مجله رهیافت (قبلاً فصلنامه سیاست علمی - پژوهشی) سال‌هاست که در این وادی مطالبی را به‌طور مرتب منتشر می‌کنند.

کتاب «ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی» بنا به گفته مؤلف آن با دو هدف جلب توجه جامعه علمی به

۱. عضو هیئت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی reza46977@yahoo.com

به سطوح و ابعاد ربط پرداخته است.

نگارنده برحسب علاقه به موضوع «ارتباطات علمی»، کتاب - و به ویژه بخش اول آن - را مورد مطالعه قرار داده، ضمن آنکه تلاش مؤلف محترم را در گردآوردن این اثر ارج می‌نهد، ذکر نکات ذیل را خالی از لطف نمی‌بیند:

الف) مهم‌ترین نکته‌ای که در بدو امر به چشم می‌خورد، کنار هم قراردادن سه موضوعی است که اگرچه می‌توانند با هم مرتبط باشند ولی از یک سنخ نبوده و به جاست مسائل مرتبط با آنها هرکدام در جای خود مورد بحث و کنکاش قرار گیرند. به عبارت دیگر خواننده‌ای که این کتاب را مطالعه می‌کند، عملاً با سه کتاب مجزا روبه‌روست که موضوع این سه کتاب نه فی‌نفسه با یکدیگر ارتباطی حیاتی دارند و نه مؤلف محترم کتاب تلاش جدی برای برقراری ارتباطی معقول میان آنها به‌خرج داده است. در حقیقت در همین حال که مشغول نگارش این مطالب هستم، نمی‌دانم باید موضوع «ارتباط علمی» را در این کتاب بررسی کنم یا به ارزیابی میزان توفیق یا ناکامی مؤلف در ارائه مباحث مربوط به رفتار اطلاع‌یابی و ربط - به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی حوزه بازیابی اطلاعات - پردازم. اهداف دوگانه‌ای که در پیش‌گفتار کتاب ذکر شده نیز می‌تواند مبنایی برای این گسستگی بخش‌های سه‌گانه کتاب باشد.

ب) در همین راستا باید یادآور شد در حالی که در عنوان کتاب و پیش‌گفتار مؤلف محترم آن تأکید بسیاری بر موضوع ارتباط

علمی شده و این انتظار را در خواننده و مخاطب کتاب به وجود می‌آورد که بخش عمده مطالب در این ارتباط باشد، متأسفانه چنین تعادلی در بدنه کتاب رعایت نشده و تنها حدود  $\frac{1}{3}$  از حجم کلی این اثر به مبحث فوق ارتباط پیدا کرده است.

ج) در صفحه عنوان، عنوان کتاب به شکل «ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی» ذکر شده است. معمولاً عبارت‌هایی که پس از دو نقطه می‌آیند عبارت یا عبارت‌های توضیحی برای عبارت ماقبل دو نقطه هستند. در این صورت آیا معقول است که نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی را توضیحی برای ارتباط علمی بدانیم؟

د) به نظر می‌رسد استواری و یکپارچگی متن برای آغاز و به انجام رساندن برخی مطالب دچار مشکل و اغتشاش است. به عنوان مثال در صفحه ۱۷ از قول پائو اشاره شده است که «در باب نقش فردی دانشمندان در پیشرفت علم دو مکتب فکری وجود دارد» که توضیح این دو مکتب فکری ظاهراً به‌دست فراموشی سپرده شده است. یا در صفحه ۷۱ کتاب، هنگام بحث از الگوی فیزیکی در ارتباط علمی، مؤلف به‌طور مبسوط درباره انتشار حرارت در اجسام صحبت کرده و مسائل فیزیکی مرتبط با آن را تشریح می‌کند، اما هنگام انطباق این الگو با انتشار و گردش اطلاعات با توضیحی نارسا و مبهم از کنار قضایا گذشته است.

ه) فصول مختلف کتاب عموماً بدون مقدمه یا هرگونه ورودی دیگر به متن آن فصل هستند. ورودیه‌ای که هدف کلی فصل،

مباحث عمده آن، و سیر کلی موضوع را بیان کرده و انتظاراتی را که خواننده می‌تواند از آن فصل داشته باشد، مشخص کند. همچنین در حالی که دو فصل از کتاب دارای قسمتی تحت عنوان «جمع‌بندی» است، سایر فصل‌های کتاب از این ویژگی مهم بی‌بهره هستند. نیازی به گفتن نیست که این گونه جمع‌بندی‌ها در انتهای هر فصل کمک می‌کند تا خواننده لب مطالب عمده و مهم را یکبار دیگر مرور کرده و تصویر ماندگارتری از مطالب هر فصل در ذهن داشته باشد. علاوه بر آن وجود مقدمه و جمع‌بندی در ابتدا و انتهای هر فصل راهی است برای خوانندگانی که فرصت کمتری برای مطالعه کل فصل در اختیار دارند و علاقه‌مندند تا با مطالعه این قسمت‌ها دیدگاه‌های عمده و مهم مؤلف را دریابند.

و) چیدمان مباحث هر کتاب علاوه بر داشتن ارتباط منطقی با یکدیگر تا حدی نیز می‌تواند سلیقه‌ای باشد. با تأکید بر وجه اول شاید بهتر بود مبحث مربوط به «جامعه علمی و پارادایم» در همان فصل اول کتاب مطرح می‌شد. چرا که مفهوم پارادایم - که در این بافت عموماً به تامس کوهن<sup>۲</sup> نسبت داده می‌شود - عمدتاً در مباحث مربوط به تولید و تحول علم مطرح می‌شوند، نه در مشارکت علمی.

ز) در برخی صفحات جملاتی نارسا و مبهم به چشم می‌خورد. مثلاً در صفحه

۱۹ می‌خوانیم «علم قبل از آنکه به نحو گسترده‌تری پذیرفته شود و به لحاظ خود آن ارزش‌گذاری شود، باید ارزش‌هایی که نسبت به آن خارجی به شمار می‌آیند توجیه گردد». در صفحه ۷۲ نیز می‌خوانیم: «در این مدل علاقه خواننده (که براساس اسنادها سنجیده می‌شود) با پتانسیل (درجه حرارت) در پیوند است»، که مؤلف مشخص نکرده منظور از پتانسیل چه چیزی است! یا در صفحه ۷۳ «نظریه اطلاعاتی آنان پیشنهاد کرد که لازم در تولید و ارسال اطلاعات می‌تواند بر مبنای ماهیت آماری تولید پیام پیش‌بینی شود». در صفحه ۹۵ «استناد علاوه بر نقش نمادین به منزله «مرز اشیا» در دنیای اجتماعی متقاطع با استانداردهای معرفتی متفاوت است». که شخصاً متوجه نشدم منظور از «دنیای اجتماعی متقاطع» چه نوع اجتماعی است.

ح) در مورد ذکر معادل‌ها یکدستی کاملی وجود ندارد. گاه معادل‌ها در همان متن کتاب آمده‌اند (نمونه صفحات ۱۴، ۶۳، ۷۷، ۱۰۹) و در بسیاری از موارد به صورت پانویس.

ط) شاید به جا بود مؤلف صفحاتی را نیز به بحث ارتباط علمی در ایران و برخی مسائل و چالش‌های آن، فرهنگ حاکم بر روابط دانشمندان ایرانی و ... اختصاص می‌دادند. به ویژه در بخش چالش‌های ارتباط علمی (ص ۲۴) که مسائل عام ارتباط علمی و نوعاً چالش‌هایی که در درجه اول چالش‌های کشورهای پیشرفته است، ذکر گردیده است.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی